

آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی «کتاب الإقتصاد»

جواد بشری*

چکیده

ابن خفیف شیرازی، هم در روزگار خود و هم در میان سلاسل و طریقت‌های پس از خود، از مشایخ تأثیرگذار تصوّف به شمار می‌رود. اقوال متعدّد او در آثار صوفیانه رسمی و استناد به سیره وی که به تدوین اولیانامه‌ای برای او انجامید، میزان نفوذ شخصیت و آراء او را در انجمن‌های اعتدالی تصوّف نشان می‌دهد. بررسی رساله‌ها و کتابچه‌های منسوب به وی از دیرباز مورد توجّه بوده و اغلب آن‌ها تصحیح و منتشر شده است. در کتابخانه مرعشی (قم) دست‌نویس رساله‌ای به عربی وجود دارد که تاکنون شناسایی نشده است. در بازخوانی متن این رساله و پس از مقایسه با سایر آثار برجای مانده از ابن خفیف، روشن شد که با دست‌نویس اصیل و معتبری از «کتاب الإقتصاد» روبرو هستیم. سلسله اسناد موجود در آغاز این دست‌نویس نشان‌دهنده جایگاه والای این اثر در میان مشایخ پس از ابن خفیف است. در پایان، برخی اختلاف‌ها بین روایت نسخه مرعشی و دو نسخه مورد استفاده فلورین زوبیروی، مصحح کتاب الإقتصاد، بیان خواهد شد.

کلیدواژه: ابن خفیف شیرازی؛ تصوّف؛ کتابخانه مرعشی؛ نسخه خطی؛ تصحیح

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۷

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / j.bashary@ut.ac.ir

مقدمه

ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسکفشاد، مشهور به «شیخ کبیر» و «ابن خفیف» (۳۷۱ق) از قدماى مشایخ تصوف در فارس و یکی از پرنفوذترین آنها در طریقت‌ها و سلاسل تصوف پس از خویش شناخته می‌شود. اطلاعات فراوانی از او در نگارش‌های صوفیانه وجود دارد که بخشی اقوال شخصی اوست، شماری مربوط به اقوال مشایخی که ایشان را درک کرده و بخشی نیز احادیثی است که او به‌عنوان واسطه در نقل و روایت آنها حضور دارد. خوشبختانه یکی از مریدان او، اولیانامه‌ای برای شیخ خویش تدوین کرده که ترجمه فارسی قدیمی از آن برجای مانده است.^۱

۱. ابوالحسن دیلمی، از صوفیان سده چهارم و معاصر با شیخ کبیر و از بزرگان شناسا درباره مشایخ تصوف در شیراز، بخشی از «مشیخه»ی خود را، که اینک مفقود است، به احوال شیخ کبیر اختصاص داده، و جنید شیرازی فقره کوچکی از آن را نقل کرده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۸-۳۹). به‌علاوه، دیلمی کتاب مستقلی در سیرت شیخ کبیر به زبان عربی پرداخته است که هرچند متن آن ظاهراً در دست نیست، برگردان فارسی آن برجای مانده است. بخش مهمی از میراث معنوی ابن خفیف را در همین اولیانامه باید جستجو کرد. نخستین بار متن «ترجمه سیرت» را آته ماری شیمل در سال ۱۹۴۵م در آنکارا زیر نظر هلموت ریتز منتشر نمود (نک: الشیرازی، ۱۳۶۳؛ در بخش «منابع»). پیش از او عباس اقبال، احتمالاً به‌واسطه مشارکت در تصحیح «شد الازار» و توجهی که در کنار علامه قزوینی به میراث بزرگان فارس داشت، به یکی از دست‌نویس‌های مورد استفاده شیمل وقوف یافت و از آن رونوشتی برای خویش تهیه کرد که اینک به شماره ۵۴۳۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش پژوه، ۱۳۵۷: ۷؛ منزوی، ۱۳۸۲: ۲۱۸۷). درباره ابن خفیف چند پژوهش در دست است که تکرار مطالب آنها در این جا ضرورتی ندارد. به‌طور عام، درباره او، نک: Brockelman, 1937: 358-359؛ الشیرازی، ۱۳۶۳: ۴۶-۵ مقدمه، ۲۲۰-۳۱۰؛ فواد سزگین، ۱۳۸۰: ۹۷۰؛ مجتبیایی، ۱۳۷۴: ۴۳۴-۴۳۹، و منابع متعددی که در منبع اخیر مورد استفاده قرار گرفته است. این مأخذ نیز که در منبع مورد اشاره از قلم افتاده است، دیده شود: ابن عساکر، بی‌تا: ۴۰۵/۵۲-۴۲۰. خانقاه شیخ کبیر در شیراز در بسیاری از ادوار تاریخ این منطقه تأثیرگذار بوده و با استناد به قول هجویری (۱۳۸۴: ۳۶۶) طریقت «خفیفیه» در قرن پنجم شناخته‌شده بوده است. در ذکر سلسله خرقة در طرائقی مانند کازرونیه و سهروردیه، نسبت خرقة به ابن خفیف می‌رسد. معنویت در دستگاه طریقتی روزبهان بقلی نیز به او منتهی می‌شده است. در روزگاری نیز که تصوف از حمایت حکمرانان سلغوری برخوردار بود، به خانقاه ابن خفیف توجه ویژه می‌شد. برای نمونه، مظفرالدین زنگی بن مودود (حک ۵۵۸-۵۷۱ق) خانقاه یادشده را توسعه داد و بناهایی را وقف آن کرد. این بنا بعدها در عهد اتابک ابوبکر بن سعد به‌طور کامل بازسازی شد (همدانی، ۱۳۸۹: ۴) و در قرن هشتم هجری «قتلق»، نوه دختری شاه شیخ ابواسحاق اینجو (فرزند جهان‌ملک خاتون، شاعر مشهور سده هشتم هجری)، عمارات سلغریان را به‌طور کامل خراب کرد و به جای آن سه گنبد رفیع متصل به یکدیگر ساخت (میرخواند، ۱۳۸۵: ۳۶۰۸). دوره مصاحف شماره (۲۶۲- موزه) در موزه آستان حضرت معصومه (س) در قم، شامل بیست و هفت پاره از سی‌پاره قرآن، در برخی مجلدات خود ←

ابن خفیف، پس از اتمام سفرهای دور و دراز خویش و در روزگار اقامت در شیراز، به ارشاد روی آورد و احتمالاً در همین دوران آثار بسیاری نگاشت. اساساً او را یکی از پرنگارش‌ترین مشایخ در مسائل و موضوعات مورد اهتمام صوفیه ذکر کرده‌اند. ابوبکر اسمعیلی جرجانی (۳۷۱ق) از برجسته‌ترین فقهای شافعی و از سرشناس‌ترین روات حدیث در سراسر قلمرو اسلامی در سده چهارم هجری^۱ به همین آثار و نگاشته‌های او که در سده چهارم هجری شهرتی داشته اشاره کرده است: «له علوم و حکم، قد سطرها فی دواوینه و ألفتها فی کتبه» (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۱).^۲ از میان سخنان متعددی که جنید شیرازی درباره میزان اهمیت آثار ابن خفیف بیان کرده می‌توان چنین استنباط کرد که سبب این اهمیت، یکی آشنایی عمیق صوفی شیرازی با علوم دینی، علی‌الخصوص کلام، تفسیر و حدیث بوده است که در این باب به قول سلمی در کتاب «تاریخ الصوفیه» استناد شده که گفته است: «و

وقف‌نامه‌هایی از قرون پیشین را حفظ کرده است که از آن میان بایستی به وقف‌نامه ثبت‌شده بر پاره بیست و دو از این دوره اشاره کرد که نشان می‌دهد یحیی بن ناصر البیحیی [۴]، «خادم الحضرة الکبیرة» و بقعه شیخ کبیر، آن را بر سر روضه حضرت مقدسه سلطان شیخ کبیر ابوعبدالله محمد بن خفیف در جمادی‌الثانی ۷۸۱ق، با پاره‌های دیگر وقف کرده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۵: ۲۷-۲۸). درباره سعدی دانسته است که هنگامی که حوالی ۶۵۵ق از سفرهای دور و دراز خویش به شیراز بازگشت و در پناه امنیتی که به تدبیر اتابکان سلغری در این منطقه برقرار بود ساکن شد، پیش از تأسیس خانقاه خویش، به خانقاه ابن خفیف آمد و شد داشت (نک: شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۶۱؛ سعدی، ۱۳۲۰: ۷۶-۷۷، از بخش «رسائل نثر»، حکایت شمس‌الدین تازیکو از «تقریرات ثلاثه»). عزیز نسفی (زنده در ۶۹۱ق) دست‌کم سه رساله از آثار خویش را در شیراز «بر سر تربت شیخ المشایخ ابوعبدالله خفیف» جمع کرده است (نسفی، ۱۳۸۱: ۱۶۳؛ نیز: ۲۲، ۱۳۲). قطب بن محیی شیرازی، از مشایخ بسیار مؤثر در تصوف شیراز و بنیان‌گذار «اخوان‌آباد»، که تا اوایل سده دهم هجری از حیات بهره‌مند بود، از میان پیشیان خود به آراء و اقوال ابن خفیف توجه ویژه‌ای داشت (قطب بن محیی، ۱۳۹۵: بیست‌وپنج، ۴۱۳-۴۱۴؛ دانشگر، ۱۳۹۳: ۲۵۸). این در حالی است که شاید بتوان قطب محیی را به‌نوعی منتقد اندیشه‌های ابن عربی به شمار آورد که در عهد او، دیگر در فارس به خوبی شناخته‌شده بود و پیروانی داشت. در منابع، از نقش ابن خفیف در انتقال موارث دینی، چون تفسیر، به مناطقی جز شیراز نیز یاد شده است (برای نمونه، نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۴: ۳۵۸، ۳۶۴).

۱. درباره او، فی‌المثل نک: السهمی، ۱۳۸۷: ۸۵-۹۶، و فقره‌های متعددی که در ص ۶-۷ فهرست اعلام پایان کتاب ذکر شده است؛ شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۰، پانویس ۵.

۲. تعبیر «دواوین» برای آثار منشور، تعبیر رایجی است که در گذشته شیوع داشته است. تنها برای یک نمونه دیگر از این کاربرد، نک: بقلی شیرازی، ۱۳۹۳: ۳. «إتی طالعت فی دواوین الصوفیه و تصانیفهم فی علوم الحقیقة» (همو، ۱۳۹۴: ۵۲: «چون در آن علم [=تصوف] خوض کردم و دیوان ایشان مطالعه کردم»).

هو من أعلم المشايخ بعلوم الظاهر متمسكاً بعلوم الشريعة من الكتاب و السنة و هو فقيه على مذهب الشافعي» (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۱؛ نیز نک: السلمی، ۱۹۶۰م: ۴۸۵: «و كان عالماً بعلوم الظاهر و علوم الحقائق و كان أوحد المشائخ فی وقته حالاً و علماً و خُلقاً»). در اصل، ابتکاری که طبقه نخست مشایخ مؤسس در حوزه تصوف، در نگارش رسائل و مکتوب کردن مسائل صوفیان در سده سوم هجری به خرج دادند، و ابن خفیف نیز به هم‌ایشان انتساب داشت، در سده چهارم هجری توسط او و برخی دیگر تکامل یافت. جعفر خلدی بغدادی (۳۴۸ق) که خود برخی مصنفات ابن خفیف را مطالعه کرده بود، به همین آمیختن علوم باطن (مسائل تصوف) با علوم ظاهر در آثار او تأکید کرده است: «قد قید کلامه بنصوص الآيات و مشاهير الأخبار» (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۹؛ سوری، محمد و محمود، ۱۳۹۶: ۹۸-۹۹).

کتاب‌شناسی آثار برجای مانده از ابن خفیف

از میان آثار متعدد ابن خفیف، این موارد بر جای مانده است:

- «کتاب الإقتصاد»: پرچم‌ترین اثر باقی مانده از ابن خفیف در موضوع تربیت مریدان، که متن عربی به همراه یک مقدمه تحلیلی و ترجمه آلمانی آن را فلورین زوبیروی به سال ۱۹۹۸م توسط انتشارات فرانسیس اشتاینر در آلمان با همکاری معهد آلمانی^۱ در بیروت، منتشر کرد (نک: Sobieroj, 1998). جز دست‌نویسی که از آن در مجموعه‌ای به شماره ۶۵۲ در گنجینه پرتوپاشا در ترکیه، مورخ ۱۰۶۰ق گزارش شده بود (فؤاد سزگین، ۱۳۸۰: ۹۷۱)، نسخه‌ای معتبر و کهن نیز از این اثر در دانشگاه پرینستون، به شماره ۲۶۵۴ یهودا، مورخ ۸۱۸ق به خط نجیب بن امام‌الدین ایچی کتابت شده در شیراز، وجود دارد (محمد عایش، ۱۴۳۲ق: ۲۶۵/۵؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۱۵، که نوشته است: «از رساله دیگر او موسوم به کتاب الاقتصاد هم نسخه‌ی در مجموعه کتابخانه پرینستون دیده‌ام») که هر دو مورد استفاده زوبیروی قرار گرفته است. درباره این اثر و ارتباط دست‌نویس مرعی با آن،

۱. المعهد الألماني للأبحاث الشرقيّة (BTS).

پس از این سخن گفته خواهد شد.

- «العقیده الصحیحة»، «المعتقد» یا «رسالة العقائد»: که یکی از پرنسخته‌ترین رساله‌های اوست. این رساله کوتاه، در چهار فصل کلی نگاشته شده است: توحید، نبوت، ایمان و برخی اختصاصات صوفیه. چند دست‌نویس نسبتاً کهن از این رساله تاکنون شناسایی شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: دست‌نویس مجموعه‌ای شماره Or. 5321 کتابخانه بریتانیا مورخ ۸۰۱ق (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۵۲۷)، دست‌نویس مجموعه بسیار پراهمیت شماره ۴۷۹۲ کتابخانه ایاصوفیا مورخ ۸۱۳ق کتابت شده به دست اسعد بن احمد بن محمد کاتب در شیراز، برگ‌های ۳۴۲-۳۴۶ مجموعه (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۸۴؛ حسینی، ۱۳۹۰: ۵۸۹؛ درایتی، ۱۳۹۳: ۷۸۸/۲۲؛ فؤاد سزگین، ۱۳۸۰: ۹۷۱)، دست‌نویس شماره ۴۳۷۳ مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مورخ ۸۸۱ق بخش سوم مجموعه (پیش‌تر متعلق به مجموعه نسخه‌های خطی محدث ارموی)، دست‌نویس شماره ۱۸۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بخش دهم مجموعه (درایتی، ۱۳۹۳: ۳۷۹/۴) و چند دست‌نویس دیگر. یک ترجمه فارسی نسبتاً قدیم نیز از این رساله در دست است که همراه متن عربی آن، توسط شیمیل در بخش ملحقات سیره شیخ کبیر، منتشر شده (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۸۴-۳۰۸) و البته لازم است در آینده بر اساس سایر دست‌نویس‌های برجای مانده و با در نظر گرفتن تحریرهای متفاوت آن، از نو تصحیح شود (برای مشخصات فی‌المثل یک دست‌نویس دیگر، نک: مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند، ۱۳۶۵: ۳۶۰).

- «کتاب الوصیة»: که از متن اصل عربی و نیز یک ترجمه فارسی آن دست‌نویس‌هایی در دست است که هر دو به همت شیمیل، بر اساس دست‌نویس‌های توبینگن (نسخه اساس متن عربی) و شهیدعلی پاشا شماره ۱۳۸۸ (ترجمه فارسی) یک بار منتشر شده (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۷۴-۲۸۳) و لازم است در آینده با در نظر گرفتن امکانات سایر دست‌نویس‌ها تصحیح شود. آنچه با عنوان غیراصیل «خصال المرید» در کتابخانه آستان شاهچراغ در شیراز به شماره ثبت ۲۸۹ (بخش دوم مجموعه) توصیف شده (بهروزی، ۱۳۶۰: ۲۹۷-۲۹۸؛ درایتی، ۱۳۹۳: ۷۰۶/۱۳) و اینک تصویری از آن در اختیار نگارنده قرار دارد، چیزی

جز دست‌نویسی از همین «وصیت» ابن‌خفیف نیست. نسخه‌های این اثر بسیار است و شماری را فؤاد سزگین (۱۳۸۰: ۹۷۰) و درایتی (۱۳۹۳: ۴۳/۴۴) برشمرده‌اند. چنان‌که دانش‌پژوه (۱۳۳۹: ۴۸۸) به درستی متذکر شده، دست‌نویسی که با عنوان «السیر و السلوک» در مجموعه شماره ۱۸۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با تاریخ ۸۲۲ق قرار دارد (بخش دوازدهم مجموعه)، نسخه همین رساله است و نباید آن را جدا از آن در نظر آورد (اصلاح شود در: درایتی، ۱۳۹۳: ۱۸/۶۲۲).

- «فضل التصوّف علی المذاهب»: که دست‌نویس واحدی از آن در یک مجموعه بسیار ارزنده و کهن در کتابخانه خانقاه احمدی شیراز وجود دارد و فاطمه علاقه آن را بر اساس همین دست‌نویس، با یاری مرحوم کاظم برگ‌نسیسی، تصحیح کرده است (ابن‌خفیف، ۱۳۷۷: ۵۴-۸۰).

- «شرف الفقراء»: اگرچه اصل این متن از بین رفته، دست‌نویس واحدی متعلق به حدود سده نهم هجری از یک ترجمه نسبتاً قدیم آن در دست است که فاطمه علاقه آن را نیز تصحیح کرده است (ابن‌خفیف، ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۳۱). برای آگاهی از وضعیت دست‌نویس این اثر که پیش‌تر در کتابخانه سیدمحمدعلی روضاتی بوده، و اینک در کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی محفوظ است، نک: منزوی، ۱۳۸۴: ۴۹.^۱

۱. از نسخ شایان توجه دیگر، یکی دست‌نویس کتاب «اوصاف القلوب»، شماره ۳۴۴۴ کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ ۷۸۹ق است که محتویات آن در مطالعات مربوط به ابن‌خفیف بررسی نشده است (درایتی، ۱۳۹۳: ۴۰/۵؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ الشیرازی، ۱۳۶۳: ۹ مقدمه)، هرچند این اثر از ۱۹۳۷م شناخته شده بود و بروکلمان با تعبیر «کتاب اوصاف القلوب، مشهد» از آن سخن گفته است (Brockelman, 1937: 359). همچنین حاجی‌خلیفه (۱۴۰۲ق: ستون ۱۴۴۷) از اثری با عنوان «کتاب الفضائل و جامع الدعوات و الأذکار» به‌عنوان یکی از آثار ابن‌خفیف سخن به میان آورده است (نیز نک: مجتبیایی، ۱۳۷۴: ۴۳۷، ستون ۲). بسیار محتمل است که دست‌نویسی که اینک به شماره ۱۲۹۶ در گنجینه فیض‌الله افندی در کتابخانه ملت در استانبول نگهداری می‌شود، همان دست‌نویسی باشد که مبنای گزارش او قرار گرفته است. سرآغازی که وی در کشف‌الظنون نقل کرده، منطبق با سرآغاز آسیب‌دیده دست‌نویس فیض‌الله افندی است، جز آن‌که در دست‌نویس حاضر با اثری مواجهیم که تلخیص‌کننده‌ای آن را از روی یک اثر ابن‌خفیف در موضوع ادعیه و خواص آیات، با حذف اسانید روایی فراهم آورده است. این دست‌نویس که حجم زیادی دارد (۱۵۸ برگ)، مورخ چهارشنبه ۲۱ ربیع‌الاول ۷۹۱ق است و لازم است محتویات ارزنده آن در مطالعات مربوط به ابن‌خفیف مورد تحلیل قرار گیرد (از دوست گرامی، جناب سیدمحمدتقی حسینی که تصویر این دست‌نویس را مرحمت کردند، سپاسگزارم). ←

«کتاب الإقتصاد» و دست‌نویس مرعشی

در کتابخانه مرعشی (قم) دست‌نویس یک رساله عربی کوتاه از ابن خفیف وجود دارد که این‌جا بررسی خواهد شد. توصیفی مقدماتی از این رساله در فهرس قدیم کتابخانه مرعشی موجود است (حسینی، ۱۳۵۴: ۷۹) و دانش‌پژوه نیز در بازدید از این کتابخانه در اواخر دهه چهل خورشیدی، رساله را رؤیت کرد و از آن یاد نمود (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۳۸۹). اثر مورد بررسی در مجموعه‌ای نسبتاً قدیمی از رسائلی در فقه، کلام و ادبیات، به شماره ۶۷ کتابخانه مرعشی، محفوظ است که بیش‌تر بخش‌های آن در سده دهم هجری در جبل‌عامل کتابت شده و نمونه‌ای از مساهمت عالمان امامی جبل‌عامل در حفظ میراث معنوی مشایخ سلف به شمار می‌آید.

در حقیقت، نسخه رساله ابن خفیف در مجموعه حاضر، فصول آغازین «کتاب الإقتصاد» است که قبلاً به دو دست‌نویس برجای مانده از آن و تصحیح زوبیروی، اشاره‌ای شد. این اثر، بر اساس شماره‌هایی که در متن چاپی به هر فصل داده شده، ۴۷ بند دارد و دست‌نویس مرعشی - که گویا مشتمل بر صورت کامل رساله بوده ولی بعدها برگ‌هایی از انتهای آن افتاده است - تنها ۱۹ بند اول اثر (بر اساس متن چاپی) را در بر دارد (Sobieroj: 443-459).

آنچه دست‌نویس مرعشی را، در عین متأخر بودن نسبی کتابت آن، در برخی مواضع برتری می‌دهد، پشتوانه کهن و اصیلی از سلسله روایان متعددی است که آن را حفظ کرده و احتمالاً کاتب جبل‌عاملی سده دهم هجری دست‌نویس مرعشی نیز نسخه خویش را، مستقیم یا غیرمستقیم، از روی یک دست‌نویس سده ششمی نسخه‌برداری کرده است. پیش از بررسی موضعی از متن، لازم است به وجه اهمیت سلسله اسناد روایی آغاز دست‌نویس مرعشی اشاره شود.

→
زرین‌کوب این اثر را با «جامع الإرشاد» که گویا آخرین نوشته ابن خفیف بوده، یکسان دانسته است (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۱۵، ۴۰۳)، در حالی که دلیلی برای این انطباق وجود ندارد (دربارۀ «جامع الإرشاد»، نک: الشیرازی، ۱۳۶۳: ۱۹۳، ۲۱۲).

راویان تحریر دست‌نویس «کتاب الاقتصاد» در کتابخانه مرعشی

در دست‌نویس کتابخانه مرعشی، پیش از آغاز متن رساله، سطوری به ثبت سلسله اسناد آن اختصاص دارد که حائز اهمیت است و باید، از دیدگاه تراجم، مورد تحلیل قرار گیرد. بر اساس سلسله ثبت شده در بخش مزبور مشخص می‌شود که این رساله، بی‌واسطه یا باواسطه، از روی نسخه‌ای کتابت شده که توسط شهاب‌الدین ابوالفضل محمد بن یوسف بن علی غزنوی، یکی از رجال پرکار سده ششم هجری، سینه‌به‌سینه از مشایخی که اسامی ایشان پس از این خواهد آمد، اخذ شده است. ابتدا، بخش نخست دست‌نویس مرعشی عیناً نقل می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم

أخبرنا الشيخ الإمام الفقيه شهاب الدين أبو الفضل محمد بن يوسف بن علي الغزنوي الحنفي - رضی الله عنه -، قال: أخبرنا الشيخ أبو بكر المبارك بن كامل بن أبي غالب الحنفي إجازة، قال: أخبرنا الشيخ أبو محمد يحيى بن علي الطراح بقرائتي^١ عليه، قال: أخبرنا القاضي أبو المظفر هناد بن إبراهيم النسفي^٢ إجازة، قال: أخبرنا أبو القاسم علي بن محمد بن الحسن الصوفي، قال: أخبرنا أبو عبد الله محمد بن خفيف - رحمه الله -؛ قال الشيخ المبارك بن كامل: و أخبرنا به الشريف أبو الكرم المبارك بن جعفر بن مسلم الهاشمي بقرائتي عليه في جمادى الأولى سنة خمس عشر و خمس مائة، قال: أخبرنا أبو محمد التميمي إجازة، عن السلمی، عن أبي عبد الله بن خفيف؛ قال الشيخ أبو بكر: و أخبرنا الشيخ أبو الحسن علي بن أحمد بن الحسن الموحّد بقرائتي عليه، قال: أخبرنا هناد بن إبراهيم النسفي^٣ إجازة، قال: أخبرنا علي بن محمد الصوفي، قال: أبو عبد الله بن خفيف - رحمه الله عليه - : الحمد لله الذي حمد نفسه بالثناء...» (دست‌نویس مرعشی: گ ۲۲۰ پ).

بر این اساس، روشن است که محمد بن یوسف غزنوی متن رساله را به طریق اجازة از مبارک بن کامل، فرد زنجیره شماره ۴-الف، اخذ کرده است:

۱. اصل: بقراتی. دو مورد دیگری نیز که شاهد کاربرد این واژه در این سلسله هستیم، به همین شکل ثبت شده است.

۲. اصل: السیفی.

۳. اصل: السیفی.

آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی کتاب «الإقتصاد» / ۴۹

- [زنجیره ۵-الف]: شیخ فقیه شهاب‌الدین ابوالفضل محمد بن یوسف بن علی غزنوی حنفی که حلقه نخست است؛
- [زنجیره ۴-الف]: شیخ ابوبکر مبارک بن کامل بن ابی غالب حَقَّاف: که رساله را از طریق «اجازه» به زنجیره ۵-الف منتقل کرده است؛
- [زنجیره ۳-الف]: شیخ ابومحمد یحیی بن علی طَرَّاح: که فرد زنجیره ۴-الف رساله را بر او «قرائت» کرده است؛
- [زنجیره ۲-الف]: قاضی ابوالمظفر هناد بن ابراهیم نسفی^۱: که رساله را از طریق «اجازه» به زنجیره ۳-الف انتقال داده است؛
- [زنجیره ۱-الف]: ابوالقاسم علی بن محمد بن حسن صوفی: که مستقیم آن را از شیخ کبیر برگرفته و آن را به زنجیره ۲-الف انتقال داده است.
- از این میان، فرد زنجیره «۴-الف»، یعنی ابوبکر مبارک بن کامل، جز طریقی که آن را از یحیی بن علی طَرَّاح (۳-الف) اخذ کرده است، خود به دو طریق دیگر نیز این رساله را شنیده که به اتقان انتساب آن به ابن خفیف می‌انجامد. بر اساس یکی از این طرق، ابوبکر بن کامل اثر را از طریق فرد «۳-ب» به دست آورده است. چنین است طریق دوم ابوبکر بن کامل در تحصیل این رساله:
- [زنجیره ۳-ب]: شریف ابوالکرم مبارک بن جعفر بن مسلم هاشمی: که مبارک بن کامل رساله را در جمادی‌الاولی ۵۱۵ق بر او قرائت کرده است؛
- [زنجیره ۲-ب]: ابومحمد تمیمی: که رساله را به طریق «اجازه» به زنجیره ۳-ب انتقال داده است؛
- [زنجیره ۱-ب]: [ابوعبدالرحمن] سُلَمی [نیشابوری]: او که بزرگ‌ترین شیخ سده چهارم و پنجم هجری در حفظ آثار مشایخ پیش از خود شناخته می‌شود، راوی مستقیم اثر از ابن خفیف است.
- همچنین، ابوبکر بن کامل طریق سوم نیز در به دست آوردن متن این رساله، به شرح

۱. اصل: سیفی؛ قیاساً تصحیح شد (او متوفای ۴۵۰ق یا ۴۶۵ق و قاضی «بعقوبا»، از مضافات بغداد، بوده است).

زیر، داشته است:

- [زنجیره ۳-ج]: شیخ ابوالحسن علی بن احمد بن حسن موحد: که ابوبکر بن کامل رساله را بر او قرائت کرده است؛

- [زنجیره ۲-ج]: هناد بن ابراهیم نسفی^۱: همان قاضی ابوالمظفر هناد بن ابراهیم نسفی مذکور در زنجیره ۲-الف است که نشان می‌دهد او جز آن‌که رساله را به ابومحمد یحیی بن علی طراح (زنجیره ۳-الف) انتقال داده، آن را به علی بن احمد موحد (زنجیره ۳-ج) نیز به طریق «اجازه» واگذار کرده است.

- [زنجیره ۱-ج]: علی بن محمد صوفی: همان ابوالقاسم علی بن محمد بن حسن صوفی (زنجیره ۱-الف) است که مستقیم رساله را از ابن خفیف اخذ کرده است.

این سلسله نشان‌دهنده میزان اهمیت رساله در میان مشایخ پس از ابن خفیف و اهتمام ایشان به ثبت و ضبط آثار اوست.

برخی اختلاف‌های این تحریر با صورت متن چاپ شده

در این بخش، برای نمونه برخی اختلاف‌های بین این دو تحریر، با رمز «مرعشی» و «چاپی» (چاپ زویروی)، عرضه می‌شود. بی‌شک چاپ زویروی که بر اساس دست‌نویس معتبر پرینستون (کتابت‌شده در اوایل سده نهم هجری در شیراز، شهر محل فعالیت ابن خفیف) و با مقایسه با یک دست‌نویس دیگر (دست‌نویس مجموعه پرتوپاشا در ترکیه) فراهم آمده، از اعتبار کافی برخوردار است. اما تحریر موجود در دست‌نویس مرعشی نیز که روشن شد، به یک یا چند واسطه، به روایتی متعلق به سده ششم هجری بازمی‌گردد در اتقان بیش‌تر متن «کتاب الإقتصاد» در آینده یاری‌رسان خواهد بود.

- «و صَلَّى اللهُ عَلَى آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِهِ وَ لِسَانَ قَدْرَتِهِ وَ إِمَامَ مَلَائِكَتِهِ وَ مَنْ كُونَهُ فِي قَبْضَتِهِ وَ أَسْجَدَ لَهُ مَلَائِكَتُهُ، وَ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ أَنْبِيَاءِهِ وَ صَاحِبِ لَوَاءِ حَمْدِهِ» (مرعشی: گ ۲۲۱ر)؛ «... خَاتَمِ أَنْبِيَاءِهِ وَ أَصْحَابِ لَوَاءِ حَمْدِهِ...» (چاپی: ۴۴۳، س ۱۰).

۱. اصل: سیفی؛ نک: پانویس پیشین.

- «ثم يلزم العارف أن يُعرفه كيفية الرجوع إلى سيّده وباريه - عزّ وجلّ - وهو التوبة إلى الله تعالى^۱ فأقول الرجوع المعرفة بتوحيد الله و التصديق لرسوله -عليه السلام- وهو تحقيق إثبات وحدانيّة الله بكمال أسمائه و صفاته بنفى الأضداد و الأنداد و الأشباه و أنّه ليس كمثله شيء و هو السميع البصير؛ و بذلك أخبر الله - عزّ وجلّ - فقال (و ما خلقتُ الجنّ و الإنس إلا ليعبُدون)^۲، فقال [۱] بن عباس: «إلا ليعرفون». و بصحّة ظاهر القرآن و ردت السنة فقال [۱] بن عباس: «لما بعث رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - معاذ^۳ إلى اليمن، قال له: يا معاذ، إنّ أوّل ما تدعوهم إلى عبادة الله و معرفة الله، فإذا عرفوا الله فاعلمهم أنّ الله افترض عليهم خمس صلوات» و ذكر الحديث بطوله «(مرعشى: گ ۲۲۱ پ)؛ «...ورد السنة...فرض عليهم...» (چاپی: ۴۴۴، س ۱۱-۱۳).

- «فيعتقد أنّ الإيمان في التسمية ينقسم إلى قسمين» (مرعشى: گ ۲۲۲ ر)؛ «...على حالين» (چاپی: ۴۴۴، س ۱۸).

- «ثمّ على المرید أن يعرف أسماء [۶] أصول الدّین و ما اتفق عليه رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - و جبریل؛ من ذلك أنّ جبریل - عليه السلام - سأل النّبیّ - صَلَّى الله عليه و آله - عن الإيمان، فقال: أن تؤمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله و البعث بعد الموت و القدر خيره و شرّه، ثمّ سأله عن الإسلام، فقال: شهادة أن لا إله إلا الله و أنّی رسول الله و إقام الصلوة و إيتاء الزکوة و حجّ البيت و صوم رمضان» (مرعشى: گ ۲۲۲ پ)؛ «...و إيتاء الزکاة و صوم شهر رمضان و حجّ البيت» (چاپی: ۴۴۶، س ۱۸).

- «فكانت السؤالات مفهومة و الجوابات معلومة في حدّ ذلك، كلّها أفعال العبد الذي هو مطلوب بها و مجازى عليها و معاقب على تركها» (مرعشى: ۲۲۳ ر)؛ «فكانت السؤالات مفهومة و الجوابات معلومة، فجعل ذلك كلّها أفعال العبد الذي هو مطلوب بها و مجازى عليها و معاقب على تركها» (چاپی: ۴۴۶، س ۲۲ تا ص ۴۴۷، س ۱).

۱. اصل: تع.

۲. سورة الذاریات: ۵۶.

۳. اصل: معاذ.

- «ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: "هَذَا جبريل جا[ء]كم يعلمكم أمر دينكم" فَاكْتَفَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا اتَّفَقَ عَلَيْهِ الْأَمِينَانِ جبرئيل ورسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَذَلِكَ مَفْصَلٌ مِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ "الْإِيمَانُ بَضْعٌ وَسَبْعُونَ بَابًا" وَهَذَا مَجْمَلٌ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: "بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَآتَى رَسُولُ اللَّهِ وَاقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيْتَاءَ الزَّكَاةَ وَصَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ" (مرعشى: گ ٢٢٣ر)؛ «ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَذَا جبريل جاءكم يعلمكم أمر دينكم، فَاكْتَفَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا اتَّفَقَ عَلَيْهِ الْإِثْنَانِ جبريل ورسول الله عليهما الصلوة والسلام، وَذَلِكَ مَفْصَلٌ مِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْإِيمَانُ بَضْعٌ وَسَبْعُونَ بَابًا، وَهَذَا مَجْمَلٌ، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ - الْحَدِيثُ» (چاپی: ٤٤٧، س ١-٣).

- «فَقَارَنَ اللَّهُ تَوْبَةَ الْكَافِرِينَ فِي حَالِ تَوْبَتِهِمْ بِالْإِيمَانِ» (مرعشى: گ ٢٢٣پ)؛ «فَقَارَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَوْبَةَ الْكَافِرِ فِي حَالِ تَوْبَتِهِمْ (!) بِالْإِيمَانِ» (چاپی: ٤٤٨، س ٥-٦).

- «فَأَوَّلُ ذَلِكَ مَا ضَيَّعَ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ مِثْلَ الصَّلَاةِ الْمَضْيَعَةِ» (مرعشى: گ ٢٢٤ر)؛ «...مِثْلَ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ» (چاپی: ٤٤٨، س ١٧).

- «ثُمَّ عَلَيْهِ رُدُّ الْمَظَالِمِ عَلَى الْعِبَادِ الَّذِي عَلَيْهِ، فَمَنْ عَلَيْهِ ظَلَامَةٌ مِنْ مَالِهِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهَا أَوْ يَسْتَحِلَّهَ أَوْ يَكْسِبَ عَلَيْهِ فَيَرُدَّهَ» (مرعشى: گ ٢٢٤ر)؛ «ثُمَّ عَلَيْهِ رَدُّ الْمَظَالِمِ عَلَى الْعِبَادِ الَّذِينَ هُمْ عَلَيْهِ، فَمَنْ عَلَيْهِ الظَّالِمَةُ فِي مَالِهِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهَ وَيَسْتَحِلَّهَ أَوْ يَكْسِبَ عَلَيْهِ فَيَرُدَّهَ» (چاپی: ٤٤٨، س ٢٠-٢١).

- «وَأَمَّا مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ ضَرْبِ الْأَبْشَارِ فَالْقَصَاصُ^٢ وَالْإِسْتِحْلَالُ مِنْهُ» (مرعشى: گ ٢٢٤ر)؛ «...مِنْ ضَرْبِ الْإِنْسَانِ...» (چاپی: ٤٤٩، س ١).

- «فَيَقْلِبُ صِفَاتِهَا وَيَرُدُّهَا عَنْ عَادَاتِهَا» (مرعشى: گ ٢٢٤پ)؛ «فَتَقْلِبُ صِفَاتِهَا وَيَنْقَلِبُهَا عَنْ عَادَاتِهَا» (چاپی: ٤٤٩، س ١٩).

- «فِي طَلَبِ الْبَحْثِ فِي فُنُونِ الرِّوَايَاتِ» (مرعشى: گ ٢٢٥ر)؛ «فِي طَلَبِ التَّبْحُرِ فِي فُنُونِ

١. اصل: اتفقا [كذا].

٢. اصل: والقصاص.

- الروایات» (چاپی: ۴۵۰، س ۱۹).
- «فإنَّ اللهَ علیک رقیبٌ بل علیک منه زاجرٌ و تهذیبٌ» (مرعشی: گ ۲۲۵ پ)؛ «... زجر و تهذیب» (چاپی: ۴۵۱، س ۱۲).
- «فحملهم إلى بعض بیوت الأنصار» (مرعشی: گ ۲۲۶ ر)؛ «فحملهم إلى بیت بعض الأنصار» (چاپی: ۴۵۲، س ۶).
- «فلا زالت أحكام الفترة فیهم متحکمة» (مرعشی: گ ۲۲۶ ر)؛ «فلا زال أحكام الفترة فیهم متحکمة» (چاپی: ۴۵۲، س ۱۰).
- «ثمَّ علی المرید، إن طالبتَه نفسه بتعلیم العلم، أن یقصدَ إلى أجلِّ العلوم و أسناها فیتعلَّم علم الزهد و الورع و المؤدیان ذلك إلى إصلاح المطعم و الملبس» (مرعشی: گ ۲۲۶ پ)؛ «... بتعلم العلم أن یقصدَ إلى أجلِّ العلوم و أسناها بتعلم علم الزهد و الورع المؤدیین ذلك إلى إصلاح المطعم و الملبس» (چاپی: ۴۵۳، س ۳-۴).
- «و لا یسط عند التملک بالأغذیة المشتهاة بل یصرف الفضول فی وجوه القربة و یقیم النفس علی منهج النبوة الذی کان یربط الحجر و الحجرین من الجوع علی بطنه علیه السلام فیخلص أکلک عن نفسک و یكون لربک خالصاً» (مرعشی: گ ۲۲۹ ر)؛ «و أن لا یسط عند التملک بالأغذیة الشهیة، بل یصرف الفضول فی وجوه القربة، و یقیم النفس علی منهج النبوة الذی کان یربط علی بطنه الحجر و الحجر من الجوع صلی علیه و سلم، فتخلص أکلک عن نفسک و تكون لربک خالصاً» (چاپی: ۴۵۸، س ۲-۵).
- طبیعتاً دست‌نویس مرعشی نیز، مانند هر دست‌نویس معمولی دیگری، در مواضع متعدّد خطاهایی دارد که از طریق مقایسه متن آن با دو دست‌نویس دیگر به راحتی می‌توان به آن‌ها وقوف یافت. بنا بر این، لازم نیست درباره ارزش این نسخه به اغراق متوسّل شویم. آنچه هست سلسله اسناد موجود در ابتدای این دست‌نویس نشان می‌دهد که آثار ابن خفیف چه اندازه برای مشایخ پس از او دارای اهمیت بوده است.

وقف کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی
 « قسم »

بسم الله الرحمن الرحيم
 اخبرنا الشيخ الامام الفقيه شهاب الدين ابو الفضل محمد
 بن يوسف علي الغزنوي الخنفي رضي الله عنه قال اخبرنا
 الشيخ ابوبكر المبارك بن كامل بن ابي غالب الخفاف اجازة قال اخبرنا
 الشيخ ابو محمد يحيى بن علي الطراحي بقرائي عليه قال اخبرنا القاسم
 ابولطف مناد بن ابراهيم السيفي اجازة قال اخبرنا ابو القاسم
 علي بن محمد الحسن الصوفي قال اخبرنا ابو عبد الله محمد بن خفيف
 رحمه الله قال الشيخ المبارك بن كامل اخبرنا به الشريف ابو
 الكرم المبارك بن جعفر بن مسلم الهاشمي بقرائي عليه في جمادى الاولى
 سنة خمس وعشرين مائة قال اخبرنا ابو محمد التميمي اجازة عن
 السلي بن ابي عبد الله بن خفيف قال الشيخ ابوبكر اخبرنا الشيخ ابو
 الحسن علي بن احمد الحسن الموحدي بقرائي عليه قال اخبرنا هارون بن ابراهيم
 السيفي اجازة قال اخبرنا علي بن محمد الصوفي قال ابو عبد الله بن خفيف
 رحمه الله عليه الحمد لله الذي حمد نفسه بالثناء علي نفسه للمعتمد
 المتوفى

دست نویس شماره ۶۷ کتابخانه مرعشی: گ ۲۲۰ پ

ماستفوا و کشفوا من لطیف اشاراتهم و سنی عباداتهم
 وبالله التوفیق **باب** قال ابو عبد الله رحمه الله
 فاراما عليه في ابتداء ارادته ان يقصد الى حكم من
 اهل زمانه موثق على دينه معروف بالنصح لامة عارن
 بطر و ارادته قد قطع على اهل ملته و قد ناز الاخوان
 على حقيقته عارف بسنن نبويه صلى الله عليه واله فيسلم
 نفسه لخدمته و يعتقد ترك مخالفته و يكون الصلة حالته
 ثم يلزم العارف ان يعرف كيفية الرجوع الى سيده و باربه
 عز وجل وهو التوبة الى الله تعالى الرجوع المعرفة بتوحيد
 الله و التصديق لرسوله عليه السلام و هو تحقيق اثبات
 وحدانية الله بجمال اسمائه و صفاته بنفي الاضداد و الابداد
 و الاشباه و انه ليس كشيء و هو السميع البصير و بذلك اخبر
 الله عز وجل **قال** فما خلفت الجز والانس الا ليعبدوني **قال** ابن
 عباس الا يعرفون ببيعة ظاهرا للقران و ردت السنة فقال ابن
 عباس لما بعث رسول الله صلى الله عليه واله معاد الى اليمن
 قال له يا معاد انا و اما تدعوم الى عبادة الله و معرفة الله
 ناداءوا الله فاعلمهم ان الله انزل علم خمس صلوات ذكر
 الخويبة بطوله فعلى المريد ان يعتقد محه ذلك حقيقا و يقينا

فصل
 من كتابها عمومي حضرت آيت الله العظمى مرعشي نجفی اروم
 شهر ۱۳۵۲ هـ

منابع

- ابن خفیف، ابوعبدالله محمد بن خفیف (۱۳۷۷). «رساله فضل التصوف علی المذاهب». به کوشش فاطمه علاقه، با همکاری کاظم برگ‌نیسی. معارف، دوره ۱۵، دوشماره ۱ و ۲، فروردین-آبان (پیاپی: ۴۳-۴۴): ۵۰-۸۰.
- _____ (۱۳۷۸). «رساله شرف الفقراء». به کوشش فاطمه علاقه. معارف، دوره ۱۶، ش ۱، فروردین-تیر (پیاپی: ۴۶): ۹۸-۱۳۲.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق. ج ۵۲. دراسة و تحقیق: علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۳۹۴). شرح شطیحات. به تصحیح و مقدمه هنری کوربن. ترجمه مقدمه از: محمدعلی امیرمعزی. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۹۳). منطق الأسرار ببيان الأنوار. تصحیح سیدعلی اصغر میرباقری فرد و زهره نجفی. تهران: سخن.
- بهروزی، علی نقی (۱۳۶۰). فهرست کتب خطی کتابخانه حضرت شاهچراغ. نشریه دوم، ج ۲. شیراز: کتابخانه آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۰۲ق). کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون. ج ۲. بیروت: دار الفکر.
- حسینی، سیداحمد (۱۳۵۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی. ج ۱. زیر نظر سید محمود مرعشی. قم: چاپخانه مهر استوار.
- حسینی، سید محمد تقی (۱۳۹۰). فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی (۱۳۳۹). فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۸. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۸الف). «نسخ خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی». در: نشریه نسخه‌های خطی. زیر نظر محمد تقی دانش‌پژوه- ایرج افشار. تهران، دانشگاه تهران: ۳۵۵/۶-۴۲۵.
- _____ (۱۳۴۸ب). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۵ [= ۲۵۳۵]). فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم. ج ۲. [قم]: نشریه آستانه مقدسه.

آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی کتاب «الإقتصاد» / ۵۷

- _____ (۱۳۵۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ج ۱۶. تهران: دانشگاه تهران.
- دانشگر، مریم (۱۳۹۳). «قطب محیی شیرازی». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به‌سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۲۵۷/۵-۲۵۹.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۳). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا). ۴۵ ج. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). جستجو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.
- سعدی (۱۳۲۰). کلیات سعدی. به‌اهتمام محمدعلی فروغی. [حاوی این بخش‌ها با تاریخ‌های طبع مستقل: گلستان، ۱۳۱۶؛ بوستان، ۱۳۱۶؛ غزلیات سعدی، ۱۳۱۸، تاریخ مقدمه؛ مواعظ سعدی، ۱۳۲۰؛ رسائل نشر، بی‌تا]. طهران: کتابفروشی و چاپخانه بروخیم.
- سوری، محمد و محمود سوری (۱۳۹۶). «جعفر خلدی؛ صوفی ناشناخته مکتب بغداد». جاویدان خرد. دوره ۱۴. بهار و تابستان. ش ۳۱: ۹۱-۱۱۰.
- السلمی، أبو‌عبدالرحمن محمد بن الحسین بن محمد بن موسی (۱۹۶۰م). کتاب طبقات الصوفیة. یوهانس پدرس. لیدن: بریل.
- السهمی، أبو‌القاسم حمزة بن یوسف بن إبراهیم (۱۳۸۷ق). تاریخ جرجان، أو کتاب معرفة علماء أهل جرجان. تحت مراقبة محمد عبدالمعیدخان (مدیر دائرةالمعارف العثمانیة). حیدرآباد الدکن: مطبعة مجلس دائرةالمعارف العثمانیة، الطبعة الثانية.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۴). در هرگز و همیشه انسان، از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری. تهران: سخن، چاپ دوم.
- الشیرازی، رکن‌الدین یحیی [اصل: یحی] بن جنید (۱۳۶۳). سیرت الشیخ الکبیر ابو‌عبدالله ابن‌الخفیف الشیرازی. ترجمه فارسی. تصحیح: ا. شیمیل طاری. به‌کوشش توفیق سبحانی. تهران: بابک.
- شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم جنید (۱۳۲۸). شدّ الازار فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار. بتصحیح و تحشیة علامه محمد قزوینی - عباس اقبال. طهران: چاپخانه مجلس [چاپ افست: انتشارات نوید، ۱۳۶۶].
- فؤاد سزگین (۱۳۸۰). تاریخ نگارش‌های عربی. ج ۱. ترجمه، تدوین و آماده‌سازی: مؤسسه نشر فهرستگان. به‌اهتمام خانه کتاب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قطب بن محیی (۱۳۹۵). مکاتیب. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: مریم دانشگر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- مجتبیای، فتح‌الله (۱۳۷۴). «ابن‌خفیف». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم: ۴۳۴/۳-۴۳۹.
- محمد عایش (تعریب و تحقیق) (۱۴۳۲ق). فهرس المخطوطات العربية فی جامعة برنستون ج ۵ (مجموعه یهودا. ج ۳ از ۶). (بی‌جا): سقیفة الصفا العلمية، الطبعة الأولى.
- مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند (تهیه و تنظیم) (۱۳۶۵). فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه ندوة العلماء لکهنو. دهلی‌نو: مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند - خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- منزوی، احمد (۱۳۸۲). فهرستواره کتابهای فارسی. ج ۳. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۲. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۵). روضة الصفا فی سيرة الانبياء و الملوك و الخلفاء. به تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۱). کتاب الانسان الكامل (مجموعه رسائل مشهور به...). با تصحیح و مقدمه ماریژان موله. با پیش‌گفتار هانری کربن. ترجمه مقدمه از: سید ضیاء‌الدین دهشیری. تهران: طهوری - انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، چاپ ششم.
- النسفی، نجم‌الدین عمر بن محمد بن احمد (۱۳۷۸). القند فی ذکر علماء سمرقند. تحقیق: یوسف الهادی. تهران: میراث مکتوب.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۴). کشف المحجوب. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمود عابدی. تهران: سروش. چاپ دوم.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۹). جامع التواریخ، تاریخ سلغریان فارس. تصحیح و تحشیه: محمد روشن. تهران: میراث مکتوب.
- Brockelman, C. (1937). *Geschichte Der Arabischen Litteratur*. Leiden: Brill. Vol.1-Supplement.
- Sobieroj, Florian (1988). *Ibn Hafif as-Sirazi und seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitab al-iqtisad): biographische Studien, Edition und Ubersetzung*. Abu 'Abd Allah Muhammad Ibn Khafif al-Shirazi. Stuttgart: Franz Steiner- Beiruter Texte und Studien- 57.